دیدگاه

زمانی برای گفتن واقعیت سخت



فرید زکریا
ترجمه: مرجان یشایایی

■ باراک اوباما آشکارا به کفرگویی افتاده است. در مصاحبه‌ای در ۲۹ سپتامبر در فلوریدا جرات کرد که بگوید، آمریکا «ضعیف» شده است. دست راستی‌های خشمگین به سرعت این سخنان را محکوم کردند. میت رامنی، ریک پری و اریک کانتور (نامزدهای احتمالی جمهوری‌خواهان در انتخابات ۲۰۱۲م.) و صفحه سردبیری وال‌استریت ژورنال با تعجب فراوان گفتند رییس‌جمهور چگونه توانسته چنین حرفی بزند! اریک کانتور اعلام کرد آمریکا بزرگ‌ترین کشور جهان است. رامنی با همین مضمون گوشه و کنایه‌ای سرهم کرد که یعنی اوباما بر دوش آمریکا سنگینی می‌کند. به مصاحبه که با دقت نگاه کنیم نکته جالب توجه این است که رییس‌جمهور گفت: «می‌دانید، من فکر می‌کنم آمریکا کشور بسیار بسیار بزرگی است که اندکی ضعیف شده. در دو دهه گذشته فاقد آن فضای رقابتی ای بودیم که به آن نیاز داشته‌ایم. باید به پشت‌سرمان نگاهی دوباره کنیم.» آیا این حقیقتی عریان نیست؟ همان حقیقتی که محافظه‌کاران چندین دهه با صدای بلند بیان می‌کردند؟ شواهد چنین حقیقتی کاملا آشکار است. رقابت‌های جهانی زیر پای آمریکا را سست کرده‌اند. در طبقه‌بندی مجمع جهانی، اقتصاد آمریکا در رده پنجم قرار دارد، پس از سوئد، سنگاپور، فنلاند و سوییس. در مطالعات بیشتری با استفاده از داده‌های بیشتر، آمریکا حتی در رده‌های عقب‌تری است. بنیاد نوآوری و فناوری اطلاعات می‌گوید در طبقه‌بندی‌های متعددی که حقیقتا جسورانه به آن پرداخته شده، مثل سرمایه‌گذاری‌های کلان و تحقیقات و توسعه ایالات متحده پشت سر کشورهایی چون ژاپن، کره جنوبی و سوئد دیده می‌شود. در تحقیقات این بنیاد که در مورد تلاش بر گسترش فضای رقابتی در یک دهه گذشته بر ۴۴ کشور و منطقه انجام گرفته آمریکا مقام یکی مانده به آخر را دارد. شاید مهم‌ترین اقدام ضروری در توانمند کردنمان در اقتصاد جهانی ارتقای آموزش به‌خصوص در زمینه علوم، ریاضیات و مهندسی است. یک نسل قبل آمریکایی‌ها بالاترین درصد فارغ‌التحصیلان از کالج در جهان را داشتند. امروز جایگاه در حال سقوط ما رده نهم است. مجمع جهانی اقتصاد در میان بهت همگان، رتبه آمریکا در آموزش علوم و ریاضیات را پنجاه و یکم اعلام کرده است. اگر گرایش به مطالعه در زمینه علوم، ریاضیات و مهندسی را بتوان نشانه‌ای از گرایش به کارهای جدی‌تر دانست ما بی‌تردید در حال ضعیف شدن هستیم. در سال ۲۰۰۴ فقط شش درصد جوایز مربوط به مهندسی، تقریبا نیمی از جوایزی که نصیب کشورهای ثروتمند می‌شود، را آمریکا برد. در همان زمان سهم ژاپنی‌ها ۲۰درصد و آلمانی‌ها ۱۶درصد بود. بین سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ رشته‌های تحصیلی مربوط به روان‌شناسی بیش از مهندسی و مطالعات مربوط به تناسب اندام بیش از علوم طبیعی بوده است. دنیل بل، اندیشمند بزرگ، زمانی روح اصول اخلاقی را که موجب شکوفایی تمدن صنعتی شد در این عبارت خلاصه کرد «لذت‌جویی صبورانه». توانایی پس‌انداز و سرمایه‌گذاری امروز برای فردای بهتر قلب تپنده هر جهش اجتماعی از فقر به سوی غناست. ایالات متحده همواره کشوری بوده است با چنین اخلاقیاتی. در دهه ۱۹۵۰ سهم بدهی‌های خانوار تنها ۳۴درصد درآمدهای جاری آن را تشکیل می‌داد. این عدد اکنون به ۱۱۵ رسیده است. در آن زمان دولت سرمایه‌گذاری‌های بسیار قابل توجهی می‌کرد در بخش تحقیقات و توسعه، امور زیربنایی و آموزش. امروزه هزینه‌های صرف شده در همه این زمینه‌ها کاهش پیدا کرده و درصد اختصاص یافته به آنها از تولید ناخالص داخلی به شدت پایین آمده. بودجه فدرال برای علوم طبیعی طی ۲۵ سال گذشته در دهه ۱۹۷۰، ۵۴درصد کم شده و همچنان در حال کاهش است. تام فریدمن و مایکل مندلبام در کتاب جدید خود به این موضوع اشاره می‌کنند که در ۳۰ سال گذشته ۱۰درصد درآمد ایالت کالیفرنیا برای تحصیلات عالی هزینه می‌شد که نتیجه آن تاج افتخار آموزش عمومی ایالات متحده یعنی نظام دانشگاهی کالیفرنیا بود. در آن هنگام زندان‌ها فقط سه درصد این درآمد را از آن خود می‌کردند. امروزه ۱۱درصد درآمد روانه زندان‌ها می‌شود و هشت درصد برای آموزش عالی و در حال حاضر تعداد شاغلان در بخش مربوط به زندان‌ها تقریبا به اندازه شاغلان در صنعت خودروسازی است. مسوولان فدرال، دولتی و محلی اکنون سرمایه‌گذاری‌های کمتری برای آینده پیش‌بینی می‌کنند. خدمات درمانی و حقوق بازنشستگی در هر کجا بودجه‌ها را می‌بلعند. هر چند صرف چنین هزینه‌هایی تشخصی اخلاقی دانسته می‌شود ولی نمی‌توان آن را به حساب زایایی یا یک جامعه رقابتی گذاشت. دولت فدرال برای هر فرد بالای ۶۵ سال چهاردلار هزینه می‌کند و برای هر کودک زیر ۱۸ سال یک دلار. این زبان گویای اولویت‌های ماست: توجه به مصرف بیش از سرمایه‌گذاری، حال بیش از آینده، خودمان بیش از کودکانمان. محافظه‌کاران همواره بر این باور بوده آنکه چشم در چشم حقایق سخت دوخته‌اند نه دل در گرو افسانه‌های خیالی. برخی هنوز همین‌طورند. در مطلب جالبی در نشنال ریویو، پیتر تیل به خوبی توضیح می‌دهد که آمریکا چگونه ضعیف شده است. او می‌گوید برای چندین دهه درآمدهای طبقه متوسط راکد مانده و فرهنگ نوآورانه کشور در تکاپویی همه‌گیر برای پیشرفت آسان و ثباتی فوری فاسد شده است «قلبمان و مغزمان گواهی می‌دهد که راه نجات (خوش‌بینی منفعلانه) نیست. پس وقتی از زبان اریک کانتور عبارت دیرآشنای ایالات متحده-همیشه اول را می‌شنویم اولین چیزی که به ذهنمان می‌آید (خوش‌بینی منفعلانه)است.»

منبع: تایم



عکس: GettyImages

گفت‌وگو با عمرو موسی
دبیرکل سابق اتحادیه عرب و نامزد احتمالی ریاست‌جمهوری مصر

دوراهی نظام ریاستی یا پارلمانی

ترجمه: محمدعلی عسگری

عمرو موسی چهره‌ای شناخته شده است. سال‌ها مسوولیت وزارت خارجه مصر و پس از آن دبیرکلی اتحادیه عرب، او را به چهره‌ای بین‌المللی تبدیل کرده است. تاکنون بارها نام او به عنوان یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری – حتی در دوران مبارک – برده شده است، اما در دوران مبارک کسی چنین اجازه‌ای نمی‌داد که خارج از چارچوب خانواده حاکم به گزینه دیگری بیندیشد. با فروپاشی نظام دیکتاتوری مبارک یک‌بار دیگر نام موسی به عنوان یک گزینه مطلوب برای ریاست‌جمهوری آینده مصر مطرح شد. گرچه گروه‌های اسلام‌گرا و نظامیان با او میانه خوبی ندارند و گروهی نیز او را جزو ابواب جمعی نظام گذشته به حساب می‌آورند، با این حال موسی تمایل دارد ریاست‌جمهوری مصر را تجربه کند. آنچه می‌خوانید دیدگاه‌های امروز او درباره وضعیت و شرایط مصر و آینده سیاسی این کشور است.

وضعیت کنونی مصر را پس از اعلام قانون اساسی جدید چگونه می‌بینید؟

موارد جدیدی پیش آمده که مطلوب است. یعنی تعیین یک دوره زمانی مشخص برای پایان دوره انتقالی. پس از دوران جمهوری دوم مصر، دوران تازه‌ای شروع خواهد شد. تعیین زمان‌بندی‌ها به خودی خود امر مطلوبی است، اما بیانیه قانون اساسی زمان معینی را هنوز برای برگزاری انتخابات تعیین نکرده که قرار است اواخر این سال اجرا شود.

اگر انتخابات ریاست‌جمهوری به تعویق افتد، چه بر سر دوره انتقالی خواهد آمد؟

اطلاعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد انتخابات ریاست‌جمهوری در پایان سال ۲۰۱۲ برگزار خواهد شد. طبعا جمهوری سوم مصر در سال ۲۰۱۳ شروع خواهد شد. به نظر من انتخابات پارلمانی و آمادگی برای انتخابات ریاست‌جمهوری، می‌تواند در طول شش ماه و نه ۱۴ یا ۱۵ ماه فراهم شود. به خصوص اینکه همه ما در این شرایط احتیاج به کوتاه‌کردن این زمان‌ها داریم. این چیزی است که تمام نامزدهای ریاست‌جمهوری به آن دل بسته‌اند. کش‌دادن مرحله انتقالی تا سال آینده یعنی خیلی چیزها، یعنی تداوم زندگی و معیشت مردم به صورت مرحله‌ای؛ زیرا برنامه‌های دراز مدت و سرمایه‌گذاری‌های سنگین خارجی صورت نمی‌گیرد. به دلیل تداوم این شرایط سرمایه‌گذاران می‌پرسند: مصر به کجا می‌رود؟ آیا در آینده دولتی پارلمانی خواهد بود یا ریاست‌جمهوری؟ اگر دولتی پارلمانی باشد چه می‌شود؟ اینجاست که پرسش‌های جدیدی مطرح می‌شود: جایگاه رییس‌جمهور کجاست و چه نقشی در یک سیستم پارلمانی خواهد داشت؟ چگونه انتخاب می‌شود؟ زیرا انتخاب رییس‌جمهور وضعیت جدیدی را پدید می‌آورد که ناشناخته است. آیا در این صورت بین نهادهای دولتی توازن وجود خواهد داشت یا خیر؟ تقریبا تمام امیدهای انقلاب و رشد و توسعه مصر به تشکیل دولت جدید گره خورده است. به تعویق انداختن این کار برای ۱۴ ماه دیگر موجب تاخیر در تحقق همه این آرزوها خواهد شد.

بنابراین به نظر شما باید ابتدا انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود؟

من از همان ابتدا از طرفداران برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری بودم، اما در همان زمان طرفدار این بودم که در حال حاضر وارد بحث‌هایی نشویم که لازم نیست. اگر بنا بر این شد که ابتدا انتخابات پارلمانی برگزار شود خب باید این کار را کرد، ولی باید زمان انتخابات ریاست‌جمهوری کوتاه شود. اگر بنابراشد انتخابات پارلمانی، ماه نوامبر برگزار شود، من پیشنهاد می‌کنم این انتخابات تا ماه آوریل آینده فیصله یابد تا شکل نظام و اینکه آیا باید ریاست‌جمهوری باشد یا پارلمانی یا مختلط مثل فرانسه مشخص شود به خصوص که نوشتن قانون اساسی به یک سال یا شش ماه احتیاج ندارد و می‌توان آن را در طول یکی ، دو ماه آماده کرد، چون مواد اصلی آن در رفراندوم معین شده است. به همین دلیل من از بعضی‌ها می‌پرسم برای چه می‌خواهند شورای نظامی شش ماه دیگر به کارش ادامه دهد.

به نظر شما چه کسی از این مرحله انتقالی سود می‌برد؟

برخی از نیروهای سیاسی. چون تعداد کمی از این گروه‌ها بودند که از استمرار دوره انتقالی تا دو یا سه سال آینده حمایت کردند. برخی برگزاری انتخابات در این شرایط را نمی‌پذیرند و خواستار تشکیل یک شورای ریاست‌جمهوری هستند. بعضی از گروه‌های سیاسی این‌طور اوضاع را آشفته می‌کنند اما باید گفت همه آنها این‌گونه‌نیستند.

به طور روشن برای مثال محمد البرادعی از به تعویق افتادن انتخابات تا پایان تدوین قانون اساسی صحبت می‌کند.

من با دکتر محمد البرادعی نامزد احتمالی ریاست‌جمهوری مخالف هستم. به خصوص دراین‌باره که انتخابات به تعویق افتد تا قانون اساسی تدوین شود. اما در عین حال اگر او با این مساله موافق باشد که تدوین قانون اساسی به یک سال نیاز ندارد من هم قبول می‌کنم. یعنی مانعی ندارد که اول قانون اساسی نوشته شود و بعد انتخابات برگزارشود، ولی تا حالا که زمانی برای انتخابات ریاست‌جمهوری تعیین نشده است.

استمرار دوره انتقالی و تعویق انتخابات ریاست‌جمهوری، بعضی را در مقاصد شورای نظامی حاکم به شک و تردید انداخته است. آنها می‌گویند این شورا می‌خواهد در قدرت باقی بماند. آیا شما هم با این نظر موافقید؟

چیزی که من می‌بینم، این است که شورای نظامی به حرف‌های دیگران گوش می‌دهد، البته در این جا یک اجماع کامل از محافل سیاسی وجود ندارد که بخواهند این دوره به سرعت تمام شود. طبعا شورا بنابر آنچه که می‌شنود عمل می‌کند. بعضی می‌خواهند انتخابات به تعویق افتاده و بعضی دیگر می‌خواهند زودتر برگزار شود؛ من شخصا طرفدار این هستم که ابتدا انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود؛ چون از سیستم ریاست‌جمهوری دفاع می‌کنم اما اگر انتخاب مجلس الشعب شروع یک حرکت دموکراتیک و اجرای نقشه راه باشد، من با آن موافق هستم.

آیا شما در دیدارهایی که با شورای نظامی داشته‌اید از این مساله مطمئن هستید؟

این آن چیزی است که می‌گویند و بارها تکرار کرده‌اند که کشور را تحویل یک قدرت غیرنظامی خواهند داد. بنابراین مساله مربوط به زمان این کار است و نه شرط این کار. ما نمی‌دانیم دیگران چه مقاصدی در دل دارند و کسی را به سوءنیت متهم نمی‌کنیم، اما مصری‌ها تا زمانی که یک انتخابات دولت شهروندی برگزار نشود، اطمینان خاطر پیدا نمی‌کنند. در حال حاضر همه می‌پرسند که این دوره انتقالی تا کی می‌خواهد ادامه داشته باشد. اکثریت احساس می‌کنند که این وضعیت نباید استمرار پیدا کند.

> **نکته**
> بعضی می‌خواهند انتخابات به تعویق افتاده و بعضی دیگر می‌خواهند زودتر برگزار شود؛ من شخصا طرفدار این هستم که ابتدا انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود؛ چون از سیستم ریاست‌جمهوری دفاع می‌کنم

به مناسبت سالگرد وفات جمال عبدالناصر رهبر تاریخی مصر، این سوال به ذهنم می‌رسد که آیا شما هم عقیده دارید مصر احتیاج به یک عبدالناصر دموکراتیک دارد یا خیر؟

آن دوران گذشت و تمام شد. من به عبدالناصر خیلی احترام می‌گذارم. آن دوران یک مرحله تاریخی در حیات مصر و کل منطقه بود. امروز دوران دموکراسی است. این خود دموکراسی است که رهبر تولید می‌کند و مساله رهبری جاودانه، دیگر وجود ندارد.

نظر شما درباره اینکه محمد حسین طنطاوی فرمانده کل نیروهای مسلح با لباس غیرنظامی به میان مردم رفت چیست؟

واقعا من آن برداشتی را ندارم که دیگران دارند و می‌گویند این شروع یک تبلیغات انتخاباتی است. به نظرم او می‌خواهد بین خودش و ملت یک رابطه طبیعی وجود داشته باشد.

آیا مصری‌ها یک حکومت نظامی جدید را می‌پذیرند؟

نه به‌اعتقاد من، آنها یک حکومت غیرنظامی می‌خواهند.

منظور شما سیاستمداران هستند یا روشنفکران؟

مردم خودشان به سادگی آدم‌ها را با هم مقایسه می‌کنند. من از طریق تماس‌هایی که با مردم داشته‌ام احساس می‌کنم مصر می‌خواهد یک رییس‌جمهور غیرنظامی داشته باشد و دولتی جدید ایجاد کند.

نظر شما درباره نگرانی نیروهای سیاسی به دلیل عدم صدور قانون «غدر» تا حالا چیست؟ آنها نگران این هستند که گروه‌های وابسته به حزب حاکم سابق دوباره بر پارلمان تسلط پیدا کنند.

درباره قانون غدر (قانونی که دولت عصام شرف برای تحت تعقیب قراردادن و محاکمه سران نظام سابق تصویب کرد و هنوز به اجرا در نیامده است) هنوز مشورت‌های لازم صورت نگرفته و نشست‌های کافی برای بررسی این قانون صورت نگرفته و به نظرم نه همه مردم، بلکه گروهی این نگرانی را دارند. دکتر عصام شرف در اجتماعی که در میدان التحریر شکل گرفته بود به مردم وعده آن را داد و ما باید ببرسیم که چرا تاکنون به تاخیر افتاده است.

بعضی می‌گویند نخست‌وزیر اختیار آن را ندارد که چنین قانونی را تصویب کند.

کسی که قدرت تصویب قانون را ندارد، نباید درباره آن حرف بزند. واقعیت این است که خوب نیست ما بگوییم نخست‌وزیر «نمی‌تواند نمی‌تواند»، چون دولت را سست می‌کند. نخست‌وزیر هم اختیاراتی دارد. حتی اگر نخست‌وزیر یک دوره انتقالی باشد.

آیا شما با صدور این قانون موافق هستید؟

به نظر من باید معیارهای دقیقی برای کسانی که می‌خواهند در انتخابات یا روند سیاسی شرکت کنند تعیین شود تا کسی به ورطه انتقام‌گیری شخصی نیفتد. ما باید این مساله را روشن کنیم که باید افراد وابسته به حزب ملی سابق را کنار بگذاریم، یا تنها باید کسانی کنار گذاشته شوند که حیات سیاسی جامعه را به فساد آلوده‌اند، یعنی کسانی که متهم هستند و پرونده دارند. این مسایل احتیاج به بحث و بررسی دارد.

آیا به نظر شما افراد وابسته به حزب حاکم سابق می‌توانند در مجلس شرکت کنند؟

دموکراسی این است که شما نماینده داشته باشید. نیروهای سیاسی باید خود را برای انتخابات آماده کنند و ما باید معیارهای معینی داشته باشیم تا این روند از طریق آن صورت گیرد. من می‌ترسم این معیارها چنان توسعه پیدا کنند که ما هم وضعیتی مثل عراق پیدا کنیم و دچار فجایعی شویم که در آینده بر جامعه اثرات منفی بگذارد.

منبع: الشروق

دریچه

۱۰ سال پس از آغاز جنگ افغانستان

رمز موفقیت طالبان

■ ۱۰سال پیش، هزاران نفر از پیکارجویان طالبان قدرت را در افغانستان واگذار کردند، از پایگاه‌های نظامی‌شان گریختند و راهی کوه و بیابان شدند تا نیروهای غربی بدون جنگ و درگیری قابل‌توجه افغانستان را تسخیر کنند. این شبه‌نظامیان رانده‌شده دیروز، امروز به نیروهای چریکی چیره‌دستی تبدیل شده‌اند. در حالی که آمریکایی‌ها در حال برنامه‌ریزی برای خروج آرام و موفقیت‌آمیز از افغانستان هستند، نیروهای طالبان به‌تازگی چند موضع بسیار حساس و مهم را مورد هدف قرار داده‌اند.

نکته قابل‌توجه این است که پیشرفت‌های اخیر این گروه بدون داشتن رهبری کاریزماتیک، سلسله مراتب فرماندهی متمرکز و دیدگاه سیاسی-اقتصادی محقق شده است. تا سه سال بعد از سقوط دولت طالبان توسط نیروهای ائتلاف در اکتبر سال ۲۰۰۱، این گروه فعالیت بسیار محدودی در افغانستان داشت. محمودشاه، رییس سابق امور امنیتی در مناطق شمال غرب پاکستان می‌گوید: «طالبان در ابتدا به دلیل پایان دادن به جنگ داخلی چهارساله در افغانستان، مورد استقبال مردم قرار گرفتند، اما بعد از آغاز اجرای قوانین سختگیرانه شریعت، آزردگی مردم هم شروع شد.»

به گفته محمودشاه «مردم از آمدن آمریکایی‌ها خوشحال شدند چون آنها را نیروهای آزادی‌بخش خود می‌دانستند. در آن زمان دیگر جایی برای بازگشت فوری طالبان نبود.» با وجود این تا سال ۲۰۰۶ طالبان توانستند به بخش‌های بزرگی از جنوب افغانستان به ویژه ولایات زابل، قندهار و هلمند نفوذ کنند.

از سال ۲۰۰۸ آنها شروع به افزایش فعالیت و حوزه نفوذشان به سوی کابل کردند. سرتیپ محمودشاه معتقد است آمریکایی‌ها در دو مورد مرتکب اشتباهاتی شدند که پیروزی‌هایشان را تحت‌تاثیر قرار داد. او می‌گوید: «آنها به جای توجه به برقراری ثبات و توسعه در افغانستان، روی اهداف نظامی تمرکز کردند و علاوه بر این در مدت کوتاهی وارد جنگ دیگری در عراق شدند و از توجه کافی به افغانستان بازماندند.» شورش‌های طالبان گسترده‌تر شده و به مناطقی در اطراف پایتخت و حتی مناطق آرامی چون ولایات شمالی افغانستان سرایت کرده است.

به گفته محمودشاه، نداشتن برنامه برای بازسازی افغانستان و بروز فساد شدید دولتی در میان مقام‌های این کشور، درست در زمانی که میلیون‌ها پناهجوی افغان در حال بازگشت از ایران و پاکستان بودند، باعث ایجاد سرخوردگی گسترده و در پی آن تقویت نیروهای شورشی شد. به همین دلیل است که مبارزه نیروهای ناتو با شورشیان طالبان تاکنون نتیجه مشخصی نداشته است.

منبع: بی.بی.سی

شرکت ملی صنایع پتروشیمی
شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام
(سهامی خاص)

فراخوان استعلام ارزیابی کیفی مناقصه عمومی
یک مرحله ای – به شماره م ن/۹۰/۷۲

شرکت بسپاران بندر امام (سهامی خاص) وابسته به شرکت پتروشیمی بندر امام، تحت عنوان (دستگاه مناقصه گزار) در نظر دارد انجام عملیات موضوع بند یک فراخوان حاضر را پس از ارزیابی کیفی متقاضیان و انتخاب پیمانکاران حائز حد نصاب امتیاز و برگزاری مناقصه عمومی – یک مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

۱– موضوع مناقصه:
عبارت است از: تعمیر برج خنک کن واحد SBR شرکت بسپاران بندر امام، مطابق با شرح کار و سایر اطلاعات و شرایط مندرج در اسناد مربوطه.

۲– مدت اجرای کار: ۳۰ روز

۳– مبلغ تضمین: ۵۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۴– نوع تضمین: ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه نقد به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۵– دستگاه مناقصه گذار: شرکت بسپاران بندر امام – واقع در استان خوزستان – بندر امام خمینی – مجتمع پتروشیمی بندر امام

۶– مهلت، زمان و محل دریافت اسناد استعلام: مهلت دریافت اوراق استعلام ارزیابی کیفی ۵ روز (به استثناء پنجشنبه و ایام تعطیل) طی ساعات اداری (۸ الی ۱۶) پس از انتشار نوبت دوم این آگهی و محل مراجعه دفتر پیمانها واقع در استان خوزستان – بندر امام خمینی – شرکت پتروشیمی بندر امام – ساختمان دفتر مرکزی – طبقه همکف – اتاق ۱۱۵ تلفن ۲۳۲۴-۶۵۲۲۵۵ می باشد.

۷– محل، مهلت و زمان تحویل پاسخ استعلام (تکمیل شده توسط مناقصه گران)
مهلت تحویل اسناد ارزیابی حداکثر ده روز پس از اتمام مهلت توزیع اسناد استعلام و محل تحویل دفتر امور پیمانها (به نشانی مندرج در بند ۴ فوق) و زمان بررسی و اعلام اسامی واجدین شرایط حداقل یکماه از تاریخ وصول اسناد ارزیابی می باشد.

۸– نحوه دریافت اسناد
متقاضیان شرکت در ارزیابی، می بایست ضمن معرفی کتبی نماینده خود و در دست داشتن اساسنامه و سوابق شرکت با رعایت بند ۴ این آگهی، جهت دریافت اسناد استعلام به نشانی فوق، مراجعه نمایند.

در ضمن متن آگهی حاضر در سایت اطلاع رسانی www.shana.ir و www.bipc.org قابل ملاحظه می باشد.

روابط عمومی
شرکت سهامی پتروشیمی بندر امام

تفکر توکل تلاش